

## سرمایه‌های تأثیرگذار طبقه متوسط سنتی در دوران شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران

علی‌جان مرادی‌جو<sup>۱</sup> دریافت: ۹۸/۷/۱۰

علیرضا ازغندی<sup>۲</sup> پذیرش: ۹۸/۹/۱۵

سید مصطفی ابطحی<sup>۳</sup>

### چکیده

بررسی نقش نیروهای اجتماعی در تحولات سیاسی از موضوعات مهم و اساسی در جامعه‌شناسی سیاسی است. طبقات اجتماعی از جمله نیروهای متمایز اجتماعی محسوب می‌شوند که در تحلیل عملکرد گروه‌های اجتماعی و سیاسی ایفای نقش دارند. در بین تقسیمات طبقات اجتماعی همواره نقش طبقه متوسط سنتی در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران مورد توجه قرار داشته است. چارچوب نظری انتخابی برای تحلیل طبقه متوسط سنتی، نظریه انواع سرمایه پیر بوردیو است که سعی کرده‌اند ارتباط انواع سرمایه را با طبقه اجتماعی مورد توجه قرار دهد و نشان می‌دهد که طبقه متوسط سنتی در دوران شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران از طریق بهره‌برداری مناسب از سرمایه‌های متنوع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و به‌ویژه فرهنگی و نمادین توانست بر دیگر رقبای پیروز شود و نقش هژمونیک در ساختار قدرت سیاسی پیدا کند. در این تحقیق، برای گردآوری اطلاعات از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی و از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. جامعه آماری شامل مدیران تخصصی و

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران. moradialijan@gmail.com

<sup>۲</sup> استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). alirezaazghandi@yahoo.com

<sup>۳</sup> استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران. abtahi100@gmail.com

کارشناسان خبره در زمینه تحولات سیاسی ایران می‌باشند. برای انجام مقایسات زوجی و رتبه‌بندی معیارها و زیرمعیارها، از تکنیک فرایند تحلیل شبکه (ANP) در نرم‌افزار Super Decisions استفاده شده است. نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که از چهار معیار اصلی شناسایی شده سرمایه‌های طبقه متوسط سنتی در دوران شکل‌گیری انقلاب اسلامی، معیار سرمایه‌های فرهنگی و نمادین دارای بیشترین وزن شناخته شد و بعداً آن سرمایه‌های سیاسی، سرمایه‌های اجتماعی و سرمایه‌های اقتصادی در رتبه‌های بعدی در این تحقیق قرار دارند.

**واژگان کلیدی:** انقلاب اسلامی ایران، طبقه متوسط سنتی، روحانیون، پیر بردیو، تکنیک

فرایند تحلیل شبکه (ANP)

مطالعات مربوط به تأثیر نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی چه در دوره‌های ثبات و چه در دوره‌های تحول از مدت‌ها پیش مورد توجه دانشمندان علوم سیاسی و جامعه‌شناسان بوده است، به طوری که جامعه‌شناسی سیاسی که یکی از حوزه‌های اصلی علوم سیاسی و اجتماعی است از مجموعه این مطالعات تکوین یافته است. موضوع اصلی جامعه‌شناسی سیاسی بررسی روابط دولت و جامعه به ویژه تأثیرات جامعه بر روی دولت است، از این رو در جامعه‌شناسی سیاسی شناخت جامعه و پیچیدگی‌های آن نقطه آغازین شناخت زندگی سیاسی به شمار می‌رود و کوشش می‌شود زندگی سیاسی به وسیله متغیرهای اجتماعی توضیح داده شود.

یکی از مهم‌ترین نیروهای اجتماعی که دست‌کم از اواسط سده سیزدهم شمسی در سیاست و حکومت و به ویژه تحولات سیاسی اجتماعی ایران نقش داشته است طبقه متوسط سنتی می‌باشد. طی این دوره طبقه متوسط سنتی تقریباً در همه تحولات اجتماعی و سیاسی یا نقش اول را ایفا کرده است و یا نقش قابل ملاحظه‌ای داشته است. هم جنبش تنباکو و هم انقلاب مشروطیت در درجه اول عمدتاً به دست این نیروی اجتماعی محقق شده‌اند و در نهضت ملی کردن صنعت نفت یکی از ارکان اساسی نهضت بود. همچنین بار سنگین قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ بر دوش این طبقه بود و سرانجام در انقلاب اسلامی که به دست قاطبه مردم ایران و با شرکت و همکاری اغلب طبقات اجتماعی صورت گرفت، طبقه متوسط سنتی در صف اول نهضت قرار داشت. از این رو می‌توان گفت که مطالعه نقش طبقه متوسط سنتی در زندگی سیاسی و به ویژه تحولات اجتماعی سیاسی ایران یکی از شاه‌کلیدهای جامعه‌شناسی سیاسی ایران است.

یکی از ویژگی‌های انقلاب اسلامی که آن را از این لحاظ از همه نهضت‌های قبلی متمایز می‌کند این است که این انقلاب علیرغم نهضت‌های گذشته، آرمان‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی طبقه متوسط سنتی را مورد اجرا گذاشت. از این رو برخلاف نهضت‌های گذشته طبقه متوسط سنتی به ویژه روحانیون و بازاریان از نتایج این انقلاب شاد شدند. در واقع انقلاب سال ۱۳۵۷ بسیاری از ویژگی‌های جامعه ایران و از جمله ساختار قشر بندی آن را دگرگون کرد. یکی از پیامدهای سرنوشت‌ساز و تاریخی انقلاب اسلامی و جنگ قدرت

پس از آن به زیر کشیدن طبقه حاکم بورژوازی کمپرادور (۱) و قبضه کردن قدرت توسط نیروهای اجتماعی سنتی و سرآمدان جدید سیاسی و فرهنگی بود. طبقه متوسط سنتی با مدیریت و هدایت هژمونیک روحانیون در اتحاد با طبقه متوسط جدید جایگزین آنان گردیدند، ولی این اتحاد دوامی نیاورد. پس از کناره‌گیری دولت موقت، طبقه متوسط سنتی اقدام به تشکیل دولت جدیدی با ماهیت فرهنگی و سیاسی متفاوتی نمود.

درواقع در ایران نه تنها طبقه متوسط سنتی در طبقه متوسط جدید ادغام نشد و قدرت روحانیون به‌رغم اصلاحات دمسازگرایانه پهلوی‌ها تضعیف نگردید، بلکه در انقلاب ۱۳۵۷ روحانیت هم از جنبه سیاسی و هم از جنبه قضایی و قانون‌گذاری و حتی اجرایی با استفاده از سازوکارهای قانونی، قدرت را به دست گرفته است. از طرفی تجار بازار نیز که در سال‌های دهه ۱۳۵۰، از برکت افزایش بهای نفت و رشد واردات و رونق بازار کالاهای مصرفی، سرمایه‌هایشان افزایش یافته و اتحاد سنتی خود را با روحانیون حفظ کرده بودند، پس از انقلاب وارد شبکه‌های مدیریتی شده و همراه با تحولات سیاسی - اقتصادی و اجتماعی، به‌ویژه در دوران جنگ تحمیلی، خود را در میان قشرهای بالای جامعه تثبیت کردند. در واقع گسترش نهادهای دولتی و افزایش نقش نظارتی دولت پس از انقلاب اسلامی، باعث گردید که نفوذ نظام در کلیه عرصه‌های اجتماعی افزایش یابد و اقشار و طبقات جدید از جمله طبقات پایین جامعه وارد عرصه نخبگان و ساختار قدرت شوند. در این میان، روحانیون و بازاریان به‌عنوان دو رکن اصلی طبقه متوسط سنتی با بهره‌برداری مناسب از سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و به‌ویژه فرهنگی و نمادین و انباشت و تجمع این سرمایه‌ها نقش مهمی ایفا نمودند و توانسته‌اند بر دیگر رقیبان خود در دوره موردبررسی پیروز شوند.

بر این اساس سؤال اصلی مقاله این است که طبقه متوسط سنتی در دوران شکل‌گیری انقلاب اسلامی از چه سرمایه‌هایی برای پیروزی بر رقیبان خود استفاده کرد و کدام یک از این سرمایه‌ها تأثیرگذارتر بود؟

فرضیه اصلی پژوهش این است که طبقه متوسط سنتی در دوران شکل‌گیری انقلاب اسلامی (۱۳۶۰-۱۳۵۷) نقش هژمونیک پیدا کرد؛ چون توانست از سرمایه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و به‌ویژه فرهنگی و نمادین خود به‌خوبی استفاده کند و سرمایه‌های فرهنگی و نمادین با توجه به نقش مساجد و منبرها در انسجام اجتماعی، نهاد مرجعیت به‌عنوان سرمایه

نمادین، گفتمان مشترک میان روحانیون و مردم و گرایش‌های عمیق مذهبی اکثریت جامعه و... تأثیر بیشتری در برتری طبقه متوسط سنتی نسبت به رقیبان داشته است.

### ۱- تبیین مفهومی

مفهوم طبقه متوسط (۲) مفهومی بسیار قدیمی است. در یونان باستان به‌خصوص در فلسفه ارسطویی تعادل جوامع در گرو آن دانسته شده است که از گرایش مبالغه‌آمیز به یک‌سو پرهیز گردد و همواره موقعیت آرمانی را در میانه و حدفاصل دو سوی متضاد با یکدیگر می‌جست (فکوهی، ۱۳۸۳، ص ۱).

طبقه متوسط در جامعه‌شناسی سیاسی بین دو طبقه بالا و پایین جامعه قرار دارد. طبقه متوسط صرفاً از افراد یا گروه‌هایی که دارای موقعیت مشترک در نظام اقتصادی یا سیاسی هستند، تشکیل نشده است، بلکه عوامل ذهنی و خودآگاهی طبقه‌ای، به‌عنوان پیش‌شرط تشکیل طبقاتی و پیدایش طبقه برای خود نیز باید وجود داشته باشد. طبقه متوسط در ایران به دو گروه سنتی و جدید تقسیم می‌شود. طبقه متوسط سنتی شامل بازار و روحانیت و طبقه متوسط جدید شامل روشنفکران و تحصیل‌کردگان دانشگاهی می‌شود (عیوضی، ۱۳۸۰، ص ۱۸).

خرده‌بورژوازی ملی و روحانیون با توجه به نقش آنان در روند تحولات سیاسی و اجتماعی و پابندی آنان به فرهنگ سنتی جزو گروه اول جای می‌گیرند. نهاد روحانیت در طول تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران همیشه با خرده‌بورژوازی شهری پیوند ارگانیک داشته است. افزایش منزلت اجتماعی و رشد کمی روحانیون علاوه بر استقلال مالی، داشتن تشکیلات منسجم و ارتباط با توده‌های مردم، ناشی از وجود ارتباط فکری و مالی بین این گروه است (توسلی و انصاری، ۱۳۷۹، ص ۱۵۹).

از نظر نویسنده طبقه متوسط سنتی (۳) در ایران به مجموعه‌ای از افراد، اقشار و طبقات اطلاق می‌شود که از نظر شأن و آگاهی طبقاتی به «سنت» که مهم‌ترین مؤلفه شکل‌دهنده آن عنصر مذهب است، تعلق دارند. چراکه به‌زعم این پژوهش، عامل مذهب اصلی‌ترین مبنای کنش اجتماعی و سیاسی طبقه متوسط سنتی ایران در ادوار و رویدادهای مختلف تاریخی بوده و رهبری سیاسی و مذهبی آن همواره به روحانیت اختصاص داشته است.

در این مقاله منظور از طبقه متوسط سنتی، روحانیت به‌عنوان هسته اصلی این طبقه مدنظر است و از همین رو نقطه تمرکز بحث، انواع سرمایه‌های روحانیت موردتوجه است.

## ۲- چارچوب نظری

چارچوب نظری این پژوهش به جهت توجه به شاخص‌های اصلی متغیر مستقل و سازگار بودن این شاخص‌ها با فضای اجتماعی ایران، نظریه انواع سرمایه «پیر بوردیو» (۴) است. بوردیو از جمله نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی است که در رابطه با طبقه و قشربندی اجتماعی تحلیل‌هایی جدید و کارا ارائه داده است. او طبقه اجتماعی را در رابطه با میزان برخورداری افراد از انواع سرمایه موردبررسی قرار داده و به‌نوعی، نظریه او در این باب تکمیل‌کننده و دربردارنده نظریات مارکس و وبر است. وی در ارائه مفهوم سرمایه، ضمن تائید نظر «کارل مارکس» (۵)، در جهت ادغام نظریه وی با «ماکس وبر» (۶) تلاش می‌نماید. بوردیو چهار نوع سرمایه را در ابعاد عینی (سرمایه اقتصادی) و ذهنی (سرمایه‌های فرهنگی، نمادین، اجتماعی و در بعضی کشورها سرمایه سیاسی) معرفی می‌کند که در یک فضای چهاربعدی به نام فضای اجتماعی، تبلور می‌یابند. تفاوت دیدگاه بوردیو با سایر نظریه‌پردازان در این است که در نظر وی سرمایه، ابزار تمایز بین طبقات اجتماعی است.

در ادامه با بهره‌گیری از نظریه انواع سرمایه بوردیو و سازگاری آن با فضای سیاسی و اجتماعی جامعه ایران به تبیین نقش سرمایه‌های تأثیرگذار طبقه متوسط سنتی در دوران شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران می‌پردازیم.

**۲-۱- تبیین انواع سرمایه:** رویکرد موردبررسی در این مقاله نظریه انواع سرمایه پیر بوردیو است. چون نظریه انواع سرمایه در شناخت طبقات اجتماعی و به‌ویژه طبقه متوسط سنتی در تأثیرگذاری بر تحولات سیاسی بسیار کاربردی و درخور تأمل است؛ بنابراین چارچوب نظری این پژوهش توجه به انواع سرمایه‌های پیر بوردیو هم از لحاظ نظری و هم از لحاظ عینی و مصداقی در رقابت‌ها و منازعات سیاسی دوران شکل‌گیری انقلاب اسلامی موردتوجه و امعان نظر قرار می‌گیرد.

۲-۱-۱- سرمایه اقتصادی: سرمایه اقتصادی (۷) به مجموعه‌ای از دارایی‌های افراد از قبیل نقدینگی، مالکیت، اموال غیرمنقول و غیره اطلاق می‌شود که کنشگر با تکیه بر آن به کنش‌های آگاهانه اقدام می‌کند. بوردیو این سرمایه را متعلق به طبقات بالای جامعه می‌داند که نشان‌دهنده تمایز طبقاتی آنان از طبقات پایین است. بوردیو این گونه سرمایه اقتصادی را تعریف می‌کند: «دارایی‌ها و کالاهای لوکسی که به یک فرد تعلق دارد» (Bourdieu, 1998, P. 70). سرمایه اقتصادی بوردیو با مفهوم سرمایه مارکس کاملاً مطابقت دارد. از ویژگی‌های مهم این سرمایه این است که به راحتی قابل تبدیل به سرمایه اجتماعی و فرهنگی است و از درجه سیالی بالایی برخوردار است.

۲-۱-۲- سرمایه اجتماعی: سرمایه اجتماعی (۸) به مجموعه‌ای از ارتباطات اجتماعی افراد با متفندان جامعه، دوستی‌ها و رابطه‌ها اطلاق می‌شود که افراد بدان وسیله موقعیت خود را مستحکم می‌سازند. بوردیو ایجاد ارتباط با افراد مشهور را سبب تثبیت جایگاه کنشگر، چه به صورت مادی یا نمادین می‌داند. سرمایه اجتماعی از نظر بوردیو در مجموعه منابع واقعی و بالقوه‌ای است که در اثر عضویت در شبکه اجتماعی یا سازمان‌ها به دست می‌آید (Bourdieu, 1984, P. 248). با حفظ و یا انباشت سرمایه اجتماعی سایر سرمایه‌های فرد نیز گسترش می‌یابد چون افراد با کسب این سرمایه منابعی را به دلیل عضویت در گروه می‌توانند به دست آورند.

۲-۱-۳- سرمایه فرهنگی: سرمایه فرهنگی (۹) مجموعه‌ای از ثروت‌های موجود در افراد که از طریق آموزش، کسب مدارک تحصیلی و تولیدات فرهنگی حاصل می‌شود. این سرمایه با کار مداوم و تلاش مستمر شکل می‌گیرد و افراد صاحب این سرمایه را از جایگاهی مناسب در جامعه برخوردار می‌کند. مفهوم سرمایه فرهنگی نزدیک به مفهوم وبر «شیوه زندگی» است که شامل مهارت‌های خاص، سلیقه، نحوه سخن گفتن، مدارک تحصیلی و شیوه‌هایی می‌گردد که فرد از طریق آن خود را از دیگران متمایز می‌سازد (فاضلی، ۱۳۸۲، ص ۳۸).

۲-۱-۴- سرمایه نمادین: مفهوم سرمایه نمادین (۱۰) شامل کاربرد نمادهایی می‌گردد که فرد به کار می‌گیرد تا به سطوح دیگر سرمایه خود مشروعیت بخشد (Turner, 1998, P. 512). بوردیو، برای بسط مفهوم سرمایه نمادین، از مفاهیم «کاریزماتیک» (۱۱) و «مشروعیت» (۱۲) وبر کمک می‌گیرد؛ می‌توان گفت مهم‌ترین تأثیر وبر بر بوردیو در اینجا نمایان می‌شود (سوارتز، ۱۳۸۱، ص ۳). این سرمایه را می‌شود در کنار سرمایه فرهنگی قرار داد. بر این

اساس موقع بررسی نقش انواع سرمایه طبقه متوسط سستی در تحولات سیاسی دوران شکل‌گیری انقلاب اسلامی، سرمایه نمادین در کنار سرمایه فرهنگی قرار می‌گیرد؛ بنابراین در این مقاله هر جا بحثی از سرمایه فرهنگی شد، سرمایه نمادین هم مدنظر است.

**۲-۱-۵- سرمایه سیاسی:** غیر از سرمایه‌های فوق، در ایران، سرمایه دیگری در فضای اجتماعی نقش بازی می‌کند و آن سرمایه سیاسی (۱۳) است که اگر کسی سرمایه سیاسی را به دست آورد سرمایه‌های دیگر را تا حدی می‌تواند برای خود بازآفرینی کند.

بورديو در مقاله خود تحت عنوان «نماینده‌گی سیاسی: عناصری برای یک نظریه در حوزه سیاسی» در سال ۱۹۹۱ به شکل جدیدی از سرمایه یعنی سرمایه سیاسی اشاره می‌کند و آن را این‌گونه تعریف می‌کند: «سرمایه سیاسی، شکلی از سرمایه نمادین است. اعتبار چنین سرمایه‌ای بر مبنای باور یا مقبولیت و شناسایی استوار شده است. یا به تعبیر دقیق‌تر، سرمایه سیاسی بر مبنای اقدامات بی‌شمار اعتباربخشی به واسطه کارگزارانی استوار شده است که آن را به یک شخص اعطاء می‌نمایند» (Bourdieu, 1991, p. 192). او سرمایه سیاسی را قدرت سیاسی می‌داند؛ قدرتی که از اعتماد یک گروه از پیروان به سیاستمداران، نشئت می‌گیرد؛ بنابراین با افزایش یا کاهش اعتماد، سرمایه سیاسی یک سیاستمدار تغییر می‌کند.

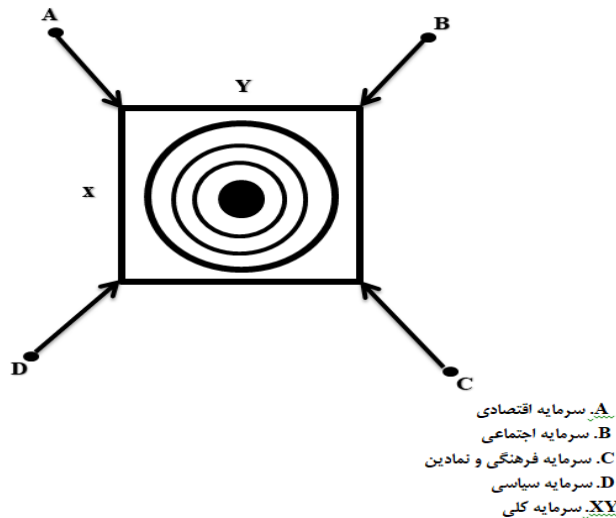
**۲-۲- فضای اجتماعی بورديو:** بورديو در یک فضای چهاربعدی موضع‌های اجتماعی، سیاسی و سبک‌های زندگی عاملان اجتماعی را بر اساس جایگاه آنان در توزیع آماری چهار اصل تفاوت گذار یعنی «سرمایه اقتصادی»، «سرمایه اجتماعی»، «سرمایه فرهنگی و نمادین» و «سرمایه سیاسی» ترسیم کرده است. برای جامعه‌ای چون ایران باید ابعاد فضای اجتماعی را متناسب با ویژگی‌های آن برگزینیم.

از این‌رو، در طرح فضای اجتماعی ایران نخست فضایی با چهار سرمایه در نظر می‌گیریم: سرمایه اقتصادی (A)، سرمایه اجتماعی (B)، فرهنگی و نمادین (C) و سرمایه سیاسی (D). برآیند این سرمایه‌ها، سرمایه کلی (XY) هر فرد یا گروه اجتماعی را تشکیل می‌دهد و بر اساس سرجمع کل سرمایه‌ها در منطقه تلاقی چهار سرمایه، جایگاه آن‌ها در این فضای اجتماعی مشخص می‌شود (نمودار شماره ۱). انتخاب بعد «سرمایه سیاسی» برای ایران بدین دلیل است که دولت در ایران دارایی‌های فراوان و بالاترین درآمد را (عمدتاً از طریق فروش نفت) دارا بوده و بنابراین قدرت سیاسی و حکومتی زمینه مساعدی برای دسترسی به سرمایه‌های دیگر



مهیا می‌کند. ساختار نابرابری در ایران به جامعه منقسم به طبقات (۱۴) آنتونی گیدنز (۱۵) نزدیک است که در آن ساختار سیاسی تعیین‌کننده ساختار اقتصادی است؛ بنابراین سرمایه سیاسی در ایران عاملی تعیین‌کننده در کنار سرمایه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی است.

عاملان اجتماعی که در این فضا در یک موضع قرار می‌گیرند دارای منافع، سلیقه‌ها، دیدگاه‌ها، ایدئولوژی و گفتمان کمابیش یکسانی می‌شوند و احتمال داشتن مواضع سیاسی یکسان در آن‌ها بسیار زیاد است. تبدیل شدن این مواضع یا ائتلاف مجموعه‌ای از مواضع به یک طبقه یا نیروی اجتماعی که گفتمان یک طبقه را نمایندگی می‌کند مستلزم اقدام آگاهانه سیاسی و چالش برای حفظ قدرت، موقعیت، منافع و یا به دست آوردن آن‌ها است. این مطلب را با طرح نمونه‌ای در تاریخ معاصر ایران می‌توان بیان داشت. روحانیت که با تغییر گفتمان خود بر اساس فقه و مرجعیت اصولی، سرمایه اجتماعی و فرهنگی خود را ارتقا داده بود، از گذشته‌های دور موضع اجتماعی‌شان با موضع بازاریان (صاحبان سرمایه اقتصادی) نزدیک بود. اقدام مشترک آنان در مبارزه با امتیاز تنباکو از این ائتلاف سیاسی طبقه‌ای ساخت که رهبری جنبش تنباکو را در دست گرفت. همین طبقه در انقلاب مشروطیت، نهضت ملی شدن صنعت نفت، قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و مهم‌تر از همه این‌ها در دوران شکل‌گیری انقلاب اسلامی نقش بسیار مؤثری داشت.



نمودار شماره (۱) فضای اجتماعی چهار بعدی موردنظر بوردیو

در این نمودار افراد و نهادها بر اساس حجم کلی سرمایه‌ای که در اختیار دارند در فضای اجتماعی (میدان رقابت سیاسی) توزیع می‌شوند. سپس توزیع آن‌ها در این فضای اجتماعی بر اساس ترکیب سرمایه‌هایشان انجام می‌شود. کسانی که در انباشت بیشترین سرمایه توفیق حاصل نموده‌اند، مسلط خواهند بود؛ بنابراین در فضا و میدان اصلی رقابت، هژمونی از آن‌کسی خواهد بود که در تجمیع سرمایه‌ها در نقطه تلاقی  $xy$  سرمایه بیشتری سامان دهد و هرچه توزیع سرمایه‌ها در میان چهار سرمایه ترسیم شده بیشتر باشد، امکان موفقیت و پیروزی بیشتر خواهد بود. چیزی که طبقه متوسط سستی در دوران شکل‌گیری انقلاب اسلامی به بهترین حالت از آن استفاده کرده است.

**۲-۳- سازگاری نظریه بورديو در مورد ایران:** در اغلب آثار جامعه‌شناختی رسم این است که از مؤلفه‌هایی مثل درآمد، شغل، تحصیلات و یا سابقه اجتماعی، به‌عنوان شاخص‌های اصلی طبقات اجتماعی استفاده شود. لکن در این پژوهش این شیوه را به دلایل زیاد، از جمله ناهمگنی جامعه ایرانی (قبیله‌ای، شهری، روستایی و...)، نقش تعیین‌کننده مذهب در ساختار اجتماعی، عدم توسعه کامل صنعتی و نوسازی از بالا (به‌ویژه در دوران پهلوی‌ها و برخی از آن‌هم در بعد از انقلاب) و وجود مشکلات تنوریک در شاخص‌های درآمد، شغل و تحصیلات، ضرورت دارد تا شاخص‌های دیگری را در بررسی طبقات اجتماعی از جمله طبقه متوسط سستی در جامعه ایرانی به کار ببریم.

اگرچه از نظر تحلیلی می‌توان چهار سرمایه اساسی طبقه متوسط سستی (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی - نمادین و اجتماعی) در ایران را از یکدیگر جدا نمود، اما در عالم واقع در اکثر دوران بین این چهار سرمایه (قدرت) هم‌پوشی وجود داشته است. به‌عنوان مثال از یک طرف قدرت سیاسی راه را برای قدرت‌های اقتصادی باز کرده است و امکانات اقتصادی، نفوذ در دستگاه حاکمه را هموار نموده است. از طرف دیگر قدرت فرهنگی، بعضی از امکانات اقتصادی (کمتر به‌صورت حق مالکیت و بیشتر به‌صورت حق تصرف) و حاکمیت سیاسی (حق ولایت و قضاوت شرعی) را به وجود آورده است. بالاخره از طریق قدرت اجتماعی به‌صورت شبکه ارتباطی، امکان اتصال خانوادگی و خویشاوندی، روابط حرفه‌ای، مرید و مرادی و غیره، هم‌پوشی این قدرت‌ها نمود پیدا کرده است.

در این پژوهش جامعه ایران از زاویه نقش سرمایه‌های طبقه متوسط سستی در دوره شکل‌گیری انقلاب اسلامی بررسی می‌کنیم و معیارهای مختلفی همچون نگرش، داشتن سرمایه و منابع فرهنگ دینی، دیدگاه‌های ذهنی، اصول اعتقادی، منزلت پایگاه اجتماعی، مدنظر است. چون در جامعه دینی ایران نیروهای اجتماعی و سیاسی بر اثر تضاد و کشمکش‌های طبقاتی پدید نمی‌آیند بلکه به دنبال عقاید متضاد ایجاد می‌شوند. توجه به سنت و مذهب، نگاه جدید به جهان امروزی و تحولات فناورانه، نحوه مدیریت جامعه پیچیده امروزی و شکاف‌های سیاسی و اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی از علت اصلی تفکیک نیروهای اجتماعی موجود در جامعه است.

### ۳. سرمایه‌های طبقه متوسط سستی در ایران

۳-۱- منابع و سرمایه‌های اقتصادی: با تفوق گرایش اصولی بر حوزه‌های علمیه و با پیدایش نهاد مرجع تقلید، شبکه روحانیت، تمرکز یافت و وجوهات شرعی می‌توانست از مصارف محلی فراتر رود و در اختیار کل شبکه قرار گیرد تا به مصارف ملی و نیز به مصارف لازم در جهان تشیع برسد. همچنین نیروی سیاسی بازار در طول تاریخ معاصر با روحانیون پیوندی بسیار نزدیک داشت و از این رهگذر ضمن برطرف نمودن نیازهای مادی روحانیون، خود نیز مطالبات خویش را برآورده می‌کرد.

وجوهات شرعی و به‌ویژه سهم امام (ع) که مستقیماً و بدون دخالت دولت از طرف مردم به روحانیت پرداخت می‌شد، تأثیر به‌سزایی در استقلال سیاسی روحانیت داشت. تنها با دسترسی به منبع مالی مزبور، روحانیت می‌توانست هزینه مبارزه با رژیم پهلوی را تأمین کند و نیز می‌توانست خدمات اجتماعی و رفاهی به توده‌های مردم ارائه کند و در میان آنان محبوبیت پیدا کند. بازاریان متدین در این زمینه نقش بزرگی را بازی می‌کردند (سمیعی، ۱۳۹۷، ص ۶۷۳). در دوره مورد بررسی ضمن تجمیع این منابع اقتصادی، سرمایه‌های دیگری هم از قبیل کمک‌های مردمی، نذورات، خمس و زکات و از همه مهم‌تر قدرت سیاسی و به‌تبع آن در اختیار گرفتن منابع اقتصادی دولتی نصیب اقشار سستی شد.

۳-۲- سرمایه اجتماعی: یکی از مهم‌ترین سرمایه روحانیت، سرمایه اجتماعی در اختیار آن نیروی سیاسی بود. این سرمایه بر اساس یک شبکه گسترده از مساجد، تکایا، حسینیه‌ها، هیئت‌های عزاداری، مدارس و حوزه‌های علمیه شکل می‌گرفت که در مرکز آن مراجع تقلید،

در سطح میانی علمای بلاد و امامان جماعت و واعظان و در اطراف آن افراد متدین و معتقد قرار داشتند. این شبکه کارایی گسترده‌ای در بسیج توده‌ها داشت و به روحانیون امکان می‌داد که به‌سادگی بتوانند فقط ظرف چند ساعت، میلیون‌ها نفر را به خیابان بیاورند و تظاهراتی را ترتیب دهند که نظم و سازمان‌دهی حاکم بر آن همه ناظران را مبهوت کند.

به‌هرحال، روحانیت از جهت توان برقراری سامان سیاسی از رقبای خود بسیار تواناتر بود. در شرایط بحرانی خلأ قدرت، فقط نهادهای کارایی مانند مساجد، تکایا، حسینیه‌ها، با وجود پرسنل آماده و با نفوذی مانند ائمه جماعت و مسجدی‌ها و اعضای هیئت‌ها و همچنین با اتکا بر شبکه گسترده علما و روحانیون در شهر و روستاها می‌توانستند کاری را انجام دهند که رقبای سیاسی آنان، ابزاری برای انجام آن نداشتند. در آن زمان، مساجد به رهبری یک روحانی، هم محل توزیع اسلحه بود و هم محل توزیع ارزاق عمومی و هم ایجاد امنیت و محاکمه و مجازات سارقان و کلاه‌برداران و رسیدگی به اختلافات و منازعات میان ساکنان محله بود. تمام وظایف اصلی حکومت که بدون متصدی مانده بود، در این شبکه انجام می‌گرفت. در عمل، بدنه اصلی حکومت را مساجد و کمیته‌های انقلاب تشکیل می‌دادند و نه دولت موقت که تازه می‌خواست نهادهای تقریباً فروپاشیده اداری، نظامی و انتظامی پیشین را احیا و به‌وسیله آن‌ها حکومت کند (سمعی، ۱۳۹۷، ص ۶۷۳).

روحانیت با استفاده از سرمایه اجتماعی که در اختیار داشت، توانست نهادهای قدرتمندی را تأسیس کند که در ابقای جمهوری اسلامی، دارای نقش اساسی بود. کمیته‌های انقلاب اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، جهاد سازندگی، بنیاد مستضعفان، بنیاد شهید و بسیاری دیگر از نهادهای انقلابی بودند که توانستند سامان سیاسی را در آن ایام متلاطم به کشور بازگردانند و بقای قدرت را در دست روحانیت تضمین کنند.

**۳-۳- سرمایه‌های فرهنگی و نمادین:** به هنگام انقلاب اسلامی، روحانیت دارای سه سرمایه فرهنگی ارزشمند بود: سرمایه تاریخی، جنبه‌های فرهنگی ایدئولوژیکی سیاسی و سرمایه ارتباطی. سرمایه تاریخی روحانیت در نهادینه بودن تشیع و وجود گرایش قوی مذهبی در میان توده‌های مردم ایران ریشه داشت. هنگامی که فردی مانند امام خمینی (ره)، شخصیتی فرهمند پیدا می‌کند، باید دو عامل را مورد توجه قرار داد. یکی وجوه شخصیتی آن فرد است و دیگری شرایط حاکم بر جامعه‌ای که آن فرد در آن فرهمند می‌شود. امام خمینی (ره) هرگز

نمی‌توانست در یک کشور غیرمسلمان یا غیر شیعه، دارای نفوذی مشابه نفوذ شخصیتی خود در ایران شود. هر نوع توانایی شخصیتی، تنها در یک ظرف اجتماعی خاص، جذابیت دارد و مورد استقبال قرار می‌گیرد؛ بنابراین، فضای موجود در جامعه ایران را که یک روحانی شیعه می‌توانست در آن فضا محبوب دل‌ها شود، باید جزو مهم‌ترین سرمایه‌های فرهنگی روحانیت دانست (سمیعی، ۱۳۹۷، ص ۶۷۴). این پیش‌زمینه تاریخی یکی از مهم‌ترین سرمایه‌های فرهنگی روحانیت بود.

دومین سرمایه فرهنگی روحانیت در ایران، نمادهای فرهنگی ریشه‌داری است که با ایدئولوژی سیاسی موردنظر روحانیت پیوند داشت. از زمان قاجار گرایش اصولی و فقاهتی در میان روحانیت غلبه یافت. فقه یک نظام حقوقی تمامت‌گراست که جنبه‌های سیاسی را نیز پوشش می‌دهد و نظریه ولایت‌فقیه، شاهد مهمی برای سیطره فقه بر سیاست است. ولی فارغ از ابعاد سیاسی، ایدئولوژی سیاسی روحانیت با نمادهای ریشه‌دار فرهنگی گره‌خورده بود که به‌نوبه خود، یک سرمایه مهم فرهنگی برای روحانیت محسوب می‌شد. بسیاری از تحلیل‌گران انقلاب، به این نکته توجه داشتند که «همانندسازی مبارزه سیاسی علیه شاه با واقعه عاشورا، مردم را مشتاقانه به استقبال از شهادت و مرگ هدایت کرد» (حسینی زاده، ۱۳۸۹، ص ۲۶۷).

سومین سرمایه فرهنگی روحانیت، سرمایه ارتباطی روحانیت با توده‌ها بود. ارتباط مداوم و مستقیم روحانیون با توده‌های مردم در مساجد و تکایا و آشنایی نزدیک روحانیون با زبان مسائل مردم کوچه و بازار، گفتمان مشترکی میان توده‌ها و روحانیون به وجود آورده بود که ارتباطات میان این دو نیروی سیاسی را تسهیل می‌کرد. این گفتمان در طول تاریخ در مراسم مذهبی طی سال استمرار یافته و یک کانال ارتباطی فراگیر را بین مردم و روحانیت نهادینه می‌کرد.

از دیگر سرمایه‌های فرهنگی روحانیت می‌توان به شبکه گسترده مساجد و منبرها، ترویج گفتمان اسلام سیاسی، نقش کاریزماتیک امام خمینی (ره) به‌عنوان رهبر انقلاب و مرجع تقلید، ایجاد مدارس دینی و تشکیل انجمن‌های اسلامی در دانشگاه‌ها و فعال شدن کانون‌های مذهبی و دینی و مرجعیت به‌عنوان سرمایه نمادین اشاره کرد؛ بنابراین در رقابت و منازعه سیاسی بر سر

قدرت بعد از انقلاب، وجود این سرمایه‌های فرهنگی برای روحانیت بسیار حیاتی بود تا بتواند نفوذ خود را در توده‌ها تضمین کند و به هژمونی خود بر سر سایر گروه‌ها دست پیدا کند.

در دوران شکل‌گیری انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) با اتصال جنبش مردمی به امورات غیبی و آسمانی، بیش‌ازپیش میدان سیاسی را نمادین ساخت. وی به‌منظور برقراری حکومت اسلامی و عدالت، رأی و نظر مردم را با حکم خدا پیوند می‌زند و پیروزی را از آن خداپرستان می‌داند. «ما می‌خواهیم یک حکومت الهی باشد موافق میل مردم، رأی مردم و موافق حکم خدا. آن چیزی که موافق با اراده خداست موافق میل مردم هم هست. مردم مسلمان‌اند، الهی هستند، وقتی ببینند عدالت را می‌خواهند اجرا بکنند. خدا می‌خواهد عدالت در بین مردم اجرا بشود. خدا می‌خواهد که به حال این ضعفا و طبقه سوم یک فکری بشود» (صحیفه امام، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۴۶۱).

ظهور امام خمینی (ره) به‌عنوان مرجع تقلید و واجد سرمایه‌های فرهنگی، اجتماعی و نمادین سبب شد که در جامعه نمادین شده ایران، وی به شخصیت بی‌همتا و صاحب ویژگی‌های منحصربه‌فرد تبدیل گردد. او کسی بود که توانست صاحب عالی‌ترین نوع قدرت، یعنی قدرت فرهنگی و نمادین را در میدان سیاسی به دست آورد و جمهوری اسلامی را با مشروعیت نمادین مستقر ساخت. بر اساس نظریه بوردیو، قدرت نمادین وی قدرتی بود که هیچ‌گونه چون‌وچرا در آن جایی نداشت و هر آنچه او می‌گفت از نگاه پیروانش سخنی پیامبرانه بود (استوار، ۱۳۹۲، ص ۲۴۰).

**۳-۴- سرمایه‌های سیاسی:** سرمایه اجتماعی و فرهنگی که روحانیون از خیزش ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ به بعد اندوخته بودند پس از انقلاب ۱۳۵۷ به سرمایه سیاسی عظیمی تبدیل گردید. شاگردان و یاران امام خمینی (ره) پس از انقلاب به نمایندگی رهبری در نهادهای انقلابی، نیروهای نظامی و انتظامی، دانشگاه‌ها و همچنین امامان جمعه و نمایندگی رهبری در استان‌ها و شهرستان‌ها و تعدادی نیز به مقام‌های بالای دولتی منصوب شدند. در شورای نگهبان و مجلس نیز قدرت اصلی در اختیار روحانیون قرار داشت (بحرانی، ۱۳۹۵، ص ۲۷۶).

درعین حال مبارزه قدرت در انقلاب، یک مبارزه سیاسی بود و ازاین‌جهت، سرمایه‌های سیاسی روحانیت بیش از سایر سرمایه‌ها در جریان این مبارزه تعیین‌کننده بود. روحانیت در مقایسه با رقبای خود از چند امتیاز و سرمایه سیاسی مهم بهره‌مند بود که عبارت‌اند از: غفلت

رقبا از توان سیاسی روحانیت، سرکوب رقبای سیاسی روحانیت توسط رژیم پهلوی، وجود تفرقه و اختلاف در داخل نیروهای سیاسی دیگر، اصیل بودن مکتب سیاسی و سطح بالای ملی‌گرایی و اجنبی ستیزی (سمیعی، ۱۳۹۷، ص ۶۷۹). غیر از عوامل فوق، در این دوران روحانیت از سرمایه‌های سیاسی مهمی همچون تشکیل نهادهایی برای تثبیت و حفظ انقلاب اسلامی، ایجاد نهاد شورای نگهبان قانون اساسی و مجلس خبرگان رهبری و از همه مهم‌تر نهاد ولایت‌فقیه و به دست گرفتن رهبری انقلاب و پذیرش توسط عموم نخبگان و مردم، برخوردار بود.

#### ۴- وضعیت طبقه متوسط سنتی در دوران شکل‌گیری انقلاب اسلامی

به باور و نوشته اکثر نویسندگان حوزه مطالعات انقلاب اسلامی و کسانی که در مورد سقوط حکومت پهلوی پژوهش کرده‌اند، خاستگاه اجتماعی و جایگاه طبقاتی مخالفان حکومت پهلوی را اقشار طبقه متوسط دانسته‌اند. بازاریان و روحانیون به‌عنوان اعضای طبقه متوسط سنتی و احزاب و جریان‌های چپ از جمله حزب توده و چریک‌های فدایی خلق به‌عنوان اعضای طبقه متوسط جدید و جریان‌های ملی و مذهبی از قبیل جبهه ملی و نهضت آزادی و سازمان مجاهدین ترکیبی از طبقات عمدتاً متوسط جدید و تا حدی سنتی را تشکیل می‌دادند؛ بنابراین ائتلاف این دو طبقه عمده در انقلاب اسلامی ایران وجود داشت. درعین حال دغدغه اصلی طبقه متوسط سنتی را مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی شکل می‌داد و نارضایتی طبقه متوسط جدید بیشتر معطوف به حوزه سیاسی بود و ساختار استبدادی و انسداد سیاسی حکومت را مورد اعتراض قرار دادند.

پیروزی انقلاب اسلامی دو نتیجه در پی داشت: اولاً باعث شد حکومت پهلوی به‌مثابه یک سیستم سیاسی به کل و بنا به خصلت ذاتی هر انقلابی از هم بپاشد، به‌طوری‌که دیگر نه خبری از دربار و دولت در معنای قوه مجریه بود و نه سیستم قضایی یا امنیتی منسجمی باقی مانده بود، ثانیاً فروپاشی سیستم حکومت پیشین باعث شد تا تکثر ناراضیان حکومت پهلوی در قالب احزاب و گروه‌های سیاسی مانند حباب‌هایی از اعماق به سطح جامعه منتقل شده و صف‌بندی جدیدی از گروه‌های سیاسی را تشکیل بدهد. در چنین شرایطی از میان طبقات و اقشار مختلف و گروه‌های سیاسی نماینده آن‌ها، جریانی، طبقه مسلط را شکل می‌داد که می‌توانست ضمن در اختیار داشتن سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به ساختارهای

قدرت سیاسی دسترسی و تسلط پیدا کند. آن قشر و طبقه در سال ۱۳۵۷ به بعد، اقشار طبقه متوسط سنتی و جریانات پیرو امام خمینی (ره) به مثابه نماینده سیاسی آن‌ها بود، این جریان نه تنها در پویش ایجاد یا بازسازی ساختارهای جدید بلکه در تفوق بر دیگر گروه‌ها نیز از تمام امکانات و ظرفیت‌های خود به طرزی حداکثری و موفق استفاده کرد.

طبقه متوسط سنتی در دوران پس از انقلاب خود را در سطح رهبری با امام خمینی (ره)، در حوزه سیاسی با حزب جمهوری اسلامی و احزاب هم‌سوی آن، در حوزه اقتصادی با ملی کردن مؤسسات، شرکت‌ها و کارخانه‌های و در اختیار گرفتن آن‌ها و در حوزه اجتماعی با سازمان‌های نظامی مردمی و نهادهای انقلابی و حمایت توده‌ای گسترده به‌خصوص از جانب نیروهای طبقه متوسط سنتی شناخت. بدین‌سان هر گروه یا جریان معارضی در رقابت با نیروهای اسلام سیاسی خود را در برابر این جریان ناچیز می‌دید (اردستانی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۸).

درواقع هژمونی اجتماعی برای طبقه یا گروه اجتماعی معین وقتی حاصل می‌گردد که توده‌های عظیم مردمی به‌صورت کاملاً ارادی و آگاهانه و بدون هیچ‌گونه تنگنا و فشاری، با جهتی که آن طبقه اجتماعی مسلط به زندگی داده است موافقت کرده و به آن گروه اعتماد کنند (گرامشی، ۱۳۵۸، ص ۶۳). در میان پژوهشگران انقلاب ایران اجماع نسبی وجود دارد که توده مردم به صورتی کاملاً ارادی و آگاهانه پیرو روحانیت شدند. در این میان، نقش واسطه‌بازاریان را نمی‌توان نادیده انگاشت. درواقع بدنه انقلابی در میان توده مردم بود، اما اجزای رهبری و هدایت‌کننده آن از میان طبقه متوسط سنتی برخاسته بود.

طبقه متوسط سنتی ایران در عرصه کنش سیاسی و اجتماعی پس از انقلاب و در ایجاد و به‌کارگیری سازمان‌ها و احزاب اجتماعی و سیاسی نیز بسیار فعال عمل کرد. تشکیل اجتماعات سیاسی نظیر جامعه روحانیت مبارز، حزب جمهوری اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، جمعیت موفتلفه اسلامی و تشکل‌های دانشجویی نظیر دفتر تحکیم وحدت که با تبعیت از مواضع رهبری انقلاب و نیز با حمایت توده‌های مذهبی جامعه فعالیت می‌کردند شاهدی بر مدعای فوق هستند. در سطح میانی همچنین تشکیل سازمان‌هایی نظیر کمیته‌های انقلاب اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و جهاد سازندگی، توسط رهبری به بدنه طبقه متوسط سنتی پیوند زده می‌شوند؛ امری که بر قدرت کنشگری این جریان می‌افزود.



در مجموع طبقه متوسط سنتی پس از انقلاب همه‌چیز را برای گرفتن کامل قدرت در اختیار داشت. در سطوح بالا و نخبگی از رهبری سود می‌برد که با استفاده از قدرت و نفوذ کاریزماتیک خود تعریفی اسلامی از حکومت در ایران ارائه کرده و تمام سعی خود را در شکل دادن به آن به کار بست. طبقه متوسط سنتی در سطوح میانی جامعه از سازمان‌های خودجوش و مردمی بسیار پر قدرتی نظیر کمیته‌های انقلاب، سپاه، بسیج و... برخوردار بود که نقش بسیاری در غلبه بر سایر گروه‌ها ایفا کردند. بدنه طبقه متوسط سنتی نیز در قاعده هرم جامعه، بسان تاریخ خود تمام سرمایه فرهنگی و شبکه اجتماعی خود را در رقابت با طبقه متوسط جدید به کار بست و بار دیگر تمامی مساجد، هیئت‌ها، تکیه‌ها و بخش‌های اجتماعی بازار در اختیار نیروهای انقلابی قرار گرفتند.

در این دوران از میان اقشار و گروه‌های طبقه متوسط جدید که دارای ظرفیت‌های بالقوه رقابت با طبقه متوسط سنتی بودند، می‌توان به جریان لیبرال، جریان بنی‌صدر، جریان‌های چپ و سازمان مجاهدین خلق (منافقین) اشاره کرد.

جریان لیبرال با محوریت دولت موقت به ریاست مهندس بازرگان از بهمن ۱۳۵۷ تا آبان ۱۳۵۸ که دولت موقت به حیات خود ادامه می‌داد، پیوسته با شورای انقلاب در منازعه بود. در حالی که دولت موقت تحت سلطه نهضت آزادی و ملی‌گرایان بود، روحانیون بر شورای انقلاب اسلامی مسلط بودند. وجوه اختلاف میان دولت موقت و شورای انقلاب خیلی زیاد بود و فقط چند مسئله کلی از قبیل سرکوب جنبش‌های گریز از مرکز، خلع سلاح مردم، تثبیت نظام مالی از طریق ملی کردن اکثر صنایع و بانک‌ها آن دو را به هم پیوند می‌داد (میلانی، ۱۳۸۱، ص ۱۳۵). سرانجام دولت بازرگان که یک دولت رفرمیست بود و قادر به انجام اقدامات انقلابی نبود، نتوانست فشارهایی را که از پائین به آن وارد می‌شد تحمل کند و در نهایت به نفع روحانیون کنار رفت.

با انتخاب بنی‌صدر به ریاست جمهوری در زمستان ۱۳۵۸ باب دیگری از منازعات میان جریان ایشان با حزب جمهوری اسلامی که در ۲۹ بهمن ۱۳۵۷ تشکیل شده بود، آغاز گشت. به‌طور کلی بنی‌صدر به‌وسیله احزاب میانه‌رو مانند حزب ناسیونالیست، جبهه ملی و نهضت آزادی حمایت می‌شد. یکی از تعارضات بارز میان حزب جمهوری اسلامی و مخالفان هنگام تعیین نخست‌وزیر ظاهر شد. معیارهایی که حزب جمهوری اسلامی برای نخست‌وزیر اعلام

کرده بود عبارت بودند از مکتبی بودن، قاطع بودن، انقلابی بودن و جوان بودن و این معیارها را در محمدعلی رجائی متحقق می‌دید (خواجه سروی، پاییز ۱۳۷۴، صص ۹۰-۱۱۲). بنی‌صدر با نخست‌وزیری رجائی مخالف بود و با انتخاب او به این مقام توسط مجلس، عملاً منزوی شد و اختلافات دیگر باعث شد طرح عدم کفایت سیاسی وی پیشنهاد و تصویب شود و از قدرت کنار گذاشته شد. بدین ترتیب حزب جمهوری اسلامی علاوه بر تسلط خود بر مجلس، نهادهای قضائی و سازمان‌های انقلابی بر قوه مجریه نیز مسلط شد.

سرنوشت مجاهدین خلق (منافقین) نیز بهتر از ملی‌گرایان و لیبرال‌ها نبود. آن‌ها که اغلب خواستار دولتی سکولار و دموکراتیک بودند دست به قمار زده به همراه بنی‌صدر عزم خود را بر تضعیف انقلابیون مبتنی ساختند و بعد از عزل بنی‌صدر در خرداد ۱۳۶۰ دست به خشونت‌های خونین خیابانی زدند. ولی در این قمار باختند و از صحنه خارج شدند (خواجه سروی، پاییز ۱۳۷۴، ص ۱۲۲).

موقعیت چپ‌گرایان از ملی‌گرایان، لیبرال‌ها و مجاهدین خلق (منافقین) نیز بدتر بود. تعداد آن‌ها کم ولی هدفشان بزرگ بود. آن‌ها نیز در کسب حمایت طبقات پائین که به خاطر آن‌ها مبارزه می‌کردند ولی با آن‌ها رابطه نداشتند، شکست خوردند. در مقابل، امام خمینی (ره) در تحصیل وفاداری طبقات پائین توفیق یافت. همچنان که یکی از رهبران گروه پیکار گفت گروه‌های چپ قادر به درک فرهنگ مذهبی ایرانیان نبودند. انقلابیون مذهبی به این دلیل پیروز شدند که ایرانی را نمایندگی می‌کردند که با تصور ایرانی که در ذهن چپ‌گرایان، مجاهدین و یا ملی‌گرایان بود فرق داشت.

تمام جریان‌ها فوق در کشاکش شرایط پس انقلابی به دلیل جهت‌گیری مغایر جهت‌گیری رهبری یا در رقابت، تقابل و مخاصمانه با نظام جدید به حاشیه رانده و یا حذف شدند. در ادامه دستیابی طبقه متوسط سنتی به نهادهای قانونی نظیر مجلس و ریاست جمهوری و تصاحب این نهادها توسط نیروهای برآمده از طبقه فوق‌الذکر از مهم‌ترین گام‌های تثبیت یا به عبارت دقیق‌تر نهادمند شدن قدرت طبقه متوسط سنتی در حوزه سیاست محسوب می‌گردد. تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی در ۱۲ آذر ۱۳۵۸، تشکیل مجلس شورای اسلامی در خرداد ۱۳۵۹ و دست‌آخر نخست‌وزیری (مرداد ۱۳۵۹) و ریاست جمهوری (مرداد

۱۳۶۰) شهید رجایی که نهادهای سیاسی را به‌طور کامل در اختیار نیروهای برآمده از طبقه مذکور قرار داد، از نقاط عطف این پویش محسوب می‌گردد.

روند قدرت‌یابی نیروهای برآمده از طبقه متوسط سستی و تثبیت آن حداقل در دو جریان هم‌راستا و موازی؛ یکی کنترل نهادهای رسمی قدرت در حوزه سیاسی و دیگری ایجاد احزاب و سازمان‌ها در حوزه اجتماعی و سیاسی قابل‌مشاهده است. پس از پیروزی انقلاب سازمان‌ها و احزابی از دل شئون مذهبی جامعه برخاستند که می‌توان آن‌ها را تبلور و تجسم سرمایه اجتماعی و فرهنگی طبقه متوسط سستی ایران قلمداد کرد. این سازمان‌ها و احزاب که ذیل رهبری امام خمینی (ره) و در راستای اهداف نظام تازه تأسیس اسلامی قرار داشتند، نقش بسیار مهمی در برتری نیروهای مکتبی و به حاشیه راندن سایر گروه‌ها ایفا کردند. این احزاب و سازمان‌ها که در حدفصل بین توده‌های مردم یا (قاعده هرم جامعه) و رهبری کاریزماتیک انقلاب (رأس هرم) قرار داشتند از سویی اندیشه‌ها و منویات رهبری را به بدنه جامعه منتقل کردند و از دیگر سوی مشارکت، عمل اجتماعی و کنش سیاسی بدنه و نیز شبکه‌های اجتماعی و فرهنگی نظیر مساجد و هیئت‌ها را در راستای این اهداف به کار می‌گرفتند. بدین ترتیب، چنین جایگاهی یعنی برخورداری از حمایت رأس و قاعده نظام، احزاب و سازمان‌های تازه تأسیس را به اصلی‌ترین عامل برتری نیروهای مذهبی بر سایر گروه‌ها و جریانات تبدیل کرده است.

## ۵- روش‌شناسی تحقیق

تحقیق موردنظر یک تحقیق توسعه‌ای است که هدف آن توسعه دانش کاربردی در زمینه تحولات سیاسی ایران است. برای گردآوری داده‌ها از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی و از ابزار پرسشنامه استفاده شده است. با توجه به روش گردآوری داده‌ها، تحقیق حاضر یک تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری شامل مدیران تخصصی و کارشناسان خبره در زمینه تحولات سیاسی ایران هستند، برای تعیین روایی پرسشنامه مقایسات زوجی با استناد به منابع و کتب علمی و پایایی آن با محاسبه نرخ ناسازگاری، مراحل تأیید پرسشنامه‌های مقایسات زوجی انجام گرفته است. همچنین از تکنیک فرایند تحلیل شبکه ANP به‌عنوان ابزاری برای وزن دهی و اولویت‌بندی معیارها و زیرمعیارهای تحقیق استفاده شده است. برای انجام مقایسات زوجی و رتبه‌بندی معیارها و زیرمعیارها، از تکنیک فرایند تحلیل شبکه (ANP) در نرم‌افزار Super Decisions استفاده شده است.

۵-۱- **جامعه و نمونه آماری:** برای کنترل کیفیت پرسشنامه و وزن دهی شاخص‌ها و مقایسات زوجی از دیدگاه خبرگان که در این تحقیق از مدیران خبره در زمینه تحولات سیاسی ایران، استفاده شده است. ساعتی (Saaty, 2005, p. 65) معتقد است تعداد ده نفر از خبرگان برای مطالعات مبتنی بر مقایسه زوجی کافی است. در این مطالعه خبره فردی است که: کمینه پنج سال سابقه مدیریت در زمینه علوم سیاسی ایران داشته باشند؛ کمینه مدرک کارشناسی ارشد داشته باشد و کمینه ده سال سابقه کاری داشته باشند.

۵-۲- **روش و ابزار گردآوری اطلاعات:** روش‌های گردآوری اطلاعات در این تحقیق به دو دسته کتابخانه‌ای و میدانی تقسیم می‌شود. به منظور تبیین معیارها، شناسایی روابط موجود بین معیارها و وزن دهی معیارها و همچنین توجه به اهداف و سؤالات تحقیق از ابزار پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. پس از تهیه پیش‌نویس اولیه سؤالات پرسشنامه و قبل از توزیع در بین جامعه آماری، نخستین مرحله، ارزیابی مقدماتی پرسش‌نامه است؛ زیرا ممکن است پرسشنامه نیاز به بررسی مجدد، حذف یا اضافه تعدادی از سؤالات بر مبنای اهداف تحقیق و نظرات متخصصین داشته باشد. لذا پیش‌نویس اولیه پرسش‌نامه با تأیید ۱۰ نفر از مدیران و صاحب‌نظران جمع‌بندی و نهایی گردید.

۵-۲-۱- **پرسشنامه:** به پرسشنامه مقایسه زوجی، عموماً پرسشنامه خبره گفته می‌شود؛ زیرا پاسخ‌دهندگان به مسائل تصمیم‌گیری خبرگان، مدیران و اساتیدی هستند که در زمینه موردبحث صاحب‌نظر هستند؛ بنابراین افراد واجد شرایط ذاتاً محدود هستند. در بیشتر موارد کمتر از ۱۰ تا ۲۰ کارشناس در دسترس است و این رویکردی متعارف در حل مسائل تصمیم‌گیری چندمعیاره است (حیبی و همکاران، ۱۳۹۳، ص ۸۲). با توجه به محدود بودن دایره انتخاب خبرگان در تحقیق جاری نیز، تعداد ۱۵ نمونه خبره برای انجام مقایسات زوجی انتخاب شده است. این پرسشنامه جهت وزن دهی و اولویت‌بندی سرمایه‌های تأثیرگذار طبقه متوسط سستی با استفاده از تکنیک‌های مبتنی بر مقایسه زوجی فرایند تحلیل شبکه ANP طراحی شده است. پرسشنامه‌ها بر اساس طیف نه درجه ساعتی مطابق جدول زیر تنظیم شد.

جدول (۱) ارزش‌گذاری شاخص‌ها نسبت به هم، مقیاس نه درجه ساعتی

۱	اهمیت یکسان
۳	نسبتاً مرجح (کمی مهم‌تر)
۵	ترجیح زیاد (اهمیت قوی)
۷	ترجیح بسیار زیاد (اهمیت خیلی قوی)
۹	ترجیح فوق‌العاده زیاد
۲ و ۴ و ۶ و ۸	امتیازات بین فواصل فوق

#### ۵-۲-۲- روایی و پایایی پرسشنامه خبره: در پرسشنامه خبره که مبتنی بر مقایسه زوجی

تمامی عناصر با یکدیگر است، احتمال اینکه یک متغیر در نظر گرفته نشود صفر است؛ بنابراین چون تمامی معیارها در این سنجش مورد توجه قرار گرفته است و طراح قادر به جهت‌گیری خاصی در طراحی سؤالات نیست؛ بنابراین پرسشنامه‌های مبتنی بر مقایسه زوجی فی‌نفسه از روایی لازم برخوردار هستند. برای سنجش پایایی پرسشنامه خبره نیز نرخ ناسازگاری محاسبه می‌شود. اگر نرخ ناسازگاری مقایسات زوجی بیشتر از ۰/۱ باشد بهتر است در مقایسات تجدیدنظر گردد. در صورتی که نرخ ناسازگاری، کوچک‌تر یا مساوی ۰/۱ در مقایسات زوجی، سازگاری وجود دارد. در این تحقیق نیز نرخ ناسازگاری کوچک‌تر از ۰/۱ بوده است. نرخ ناسازگاری از تقسیم شاخص سازگاری بر شاخص تصادفی به دست می‌آید.

#### ۶- دسته‌بندی معیارها و زیرمعیارهای سرمایه‌های طبقه متوسط سنتی: سرمایه‌های

اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی طبقه متوسط سنتی بر اساس فضای اجتماعی چهار بعدی پیر بوردیو و بیان وضعیت و نحوه هژمونیک شدن این طبقه در دوران شکل‌گیری انقلاب اسلامی در بخش اول این تحقیق بیان شده است. شاخص‌های هر یک از سرمایه‌های طبقه متوسط سنتی به تفکیک چهار سرمایه فوق، استخراج شد. در ادامه با استفاده از تکنیک فرایند تحلیل شبکه (ANP) در نرم‌افزار سوپر دسیژن "Super Decisions" داده‌های استخراج‌شده و معیارهای اصلی و زیرمعیارهای طبقه متوسط سنتی، شناسایی و دسته‌بندی شدند. هدف این است که مشخص شود کدام یک از سرمایه‌های چهارگانه طبقه متوسط سنتی در دوره شکل‌گیری انقلاب اسلامی تأثیرگذارتر بود. بر این اساس عوامل شناسایی شده در قالب چهار معیار اصلی که عبارت‌اند از: الف) سرمایه‌های اقتصادی؛ ب) سرمایه‌های

اجتماعی؛ ج) سرمایه‌های فرهنگی و نمادین؛ د) سرمایه‌های سیاسی، طبق جدول زیر تقسیم‌بندی شده‌اند.

جدول (۲) دسته‌بندی معیارها و زیرمعیارهای سرمایه‌های طبقه متوسط سستی

نماد	معیارها	زیرمعیارها	نماد
S11	سرمایه‌های اقتصادی	وجوهات شرعی به‌ویژه سهم امام (ع)	C1
S12		حمایت و پشتیبانی بازاریان و تجار	
S13		درآمد حاصل از بقاع متبرکه امامان و امام زادگان	
S14		کمک‌های مردمی	
S15		نذورات، خمس و زکات	
S21	سرمایه‌های اجتماعی	شبکه گسترده مساجد، تکایا، حسینیه‌ها	C2
S22		شبکه گسترده علما و روحانیون در شهرها و روستاها	
S23		ایجاد نهادهای انقلابی همچون کمیته‌های انقلاب اسلامی	
S24		تشکیل احزاب، تشکل‌ها و گروه‌های دارای ماهیت اسلامی همچون جامعه روحانیت مبارز	
S31	سرمایه‌های فرهنگی و نمادین	نهاد مرجعیت به‌عنوان سرمایه‌ای نمادین	C3
S32		مراسم و مناسک مذهبی همچون عاشورا و اربعین	
S33		امامان جمعه و جماعات	
S34		نقش مساجد و منبرها در انسجام اجتماعی	
S35		سرمایه تاریخی همچون گرایش‌های عمیق مذهبی اکثریت جامعه	
S36		سرمایه ارتباطی همچون گفتمان‌های مشترک میان روحانیون و توده مردم	
S41	سرمایه‌های سیاسی	اصیل بودن مکتب سیاسی	C4

نماد	زیر معیارها	معیارها	نماد
S42	سطح بالای ملی‌گرایی و اجنبی ستیزی		
S43	ایجاد سازمان‌ها و احزاب سیاسی همچون حزب جمهوری اسلامی		
S44	تشکیل نهادهایی برای تثبیت و حفظ انقلاب اسلامی		
S45	ایجاد نهاد شورای نگهبان قانون اساسی و مجلس خبرگان رهبری		

فرایند تحلیل شبکه (ANP) به صورت زیر است: ۱- اولویت‌بندی معیارهای اصلی بر اساس هدف از طریق مقایسه زوجی؛ ۲- اولویت‌بندی معیارهای اصلی بر اساس روابط درونی میان معیارهای اصلی؛ ۳- اولویت‌بندی هر یک از زیرمعیارها در خوشه مربوط به خود از طریق مقایسه زوجی؛ ۴- مشخص شدن اولویت نهایی.

#### ۷- تجزیه و تحلیل داده‌ها

۷-۱- اولویت‌بندی معیارهای اصلی بر اساس هدف: برای انجام تحلیل شبکه، نخست معیارهای اصلی بر اساس هدف به صورت زوجی مقایسه شده‌اند. مقایسه زوجی بسیار ساده است و تمامی عناصر هر خوشه باید به صورت دوجه دو مقایسه شوند.

جدول (۳) مقایسه زوجی معیارهای اصلی

C4	C3	C2	C1	
1.545	0.707	0.378	1.000	(C1)
0.847	0.352	1.000	2.639	(C2)
0.454	1.000	2.834	1.414	(C3)
1.000	2.201	1.180	0.647	(C4)

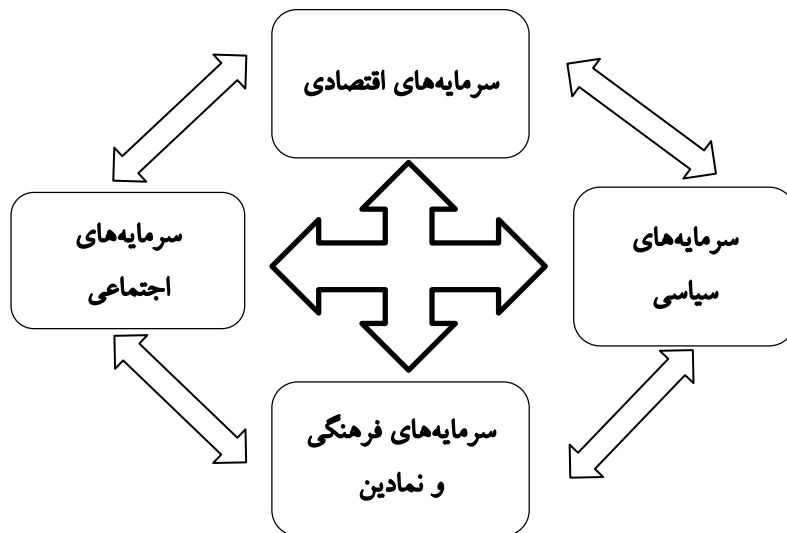




جدول (۵) اولویت‌بندی معیارهای اصلی بر اساس هدف

رتبه	وزن نرمال	معیارهای اصلی
1	0.287	سرمایه‌های فرهنگی و نمادین (C3)
2	0.282	سرمایه‌های سیاسی (C4)
3	0.233	سرمایه‌های اجتماعی (C2)
4	0.198	سرمایه‌های اقتصادی (C1)

۷-۲- اولویت‌بندی معیارهای اصلی بر اساس روابط درونی: گام بعدی، محاسبه روابط درونی معیارهای اصلی است. فرض بر این است که تمامی معیارهای اصلی با یکدیگر رابطه دارند.



شکل (۲) الگوی روابط درونی معیارهای اصلی

۷-۳- تعیین اولویت زیرمعیارهای سرمایه‌های اقتصادی (C1)

جدول (۶) مقایسه زیرمعیارهای سرمایه‌های اقتصادی

بردار ویژه	میانگین هندسی	S15	S14	S13	S12	S11	زیرمعیارهای سرمایه‌های اقتصادی
0.122	0.636	0.810	0.430	0.847	0.352	1.000	وجوهات شرعی به‌ویژه سهم امام (ع) (S11)
0.145	0.759	0.344	0.426	0.607	1.000	2.834	حمایت و پشتیبانی بازاریان و تجار (S12)
0.225	1.176	1.016	1.141	1.000	1.645	1.180	درآمد حاصل از بقاع متبرکه امامان و امام زادگان (S13)
0.261	1.366	0.997	1.000	0.876	2.342	2.321	کمک‌های مردمی (S14)
0.246	1.287	1.000	1.003	0.984	2.901	1.234	نذورات، خمس و زکات (S15)

جدول (۷) اولویت‌بندی زیرمعیارهای سرمایه‌های اقتصادی

رتبه	وزن نرمال	زیرمعیارهای سرمایه‌های اقتصادی
1	0.261	کمک‌های مردمی (S14)
2	0.246	نذورات، خمس و زکات (S15)
3	0.225	درآمد حاصل از بقیع متبرکه امامان و امام زادگان (S13)
4	0.145	حمایت و پشتیبانی بازاریان و تجار (S12)
5	0.122	وجوهات شرعی به‌ویژه سهم امام (ع) (S11)

## ۷-۴- تعیین اولویت زیرمعیارهای سرمایه‌های اجتماعی (C2)

جدول (۸) مقایسه زیرمعیارهای سرمایه‌های اجتماعی

بردار ویژه	میانگین هندسی	S24	S23	S22	S21	زیر معیار سرمایه اجتماعی
0.199	0.839	0.454	1.545	0.707	1.000	شبکه گسترده مساجد، تکایا، حسینیه‌ها (S21)
0.170	0.717	0.524	0.356	1.000	1.414	شبکه گسترده علما و روحانیون در شهرها و روستاها (S22)
0.234	0.988	0.524	1.000	2.807	0.647	ایجاد نهادهای انقلابی همچون کمیته‌های انقلاب اسلامی (S23)
0.398	1.682	1.000	1.908	1.905	2.201	تشکیل احزاب، تشکل‌ها و گروه‌های دارای ماهیت اسلامی همچون جامعه و روحانیت مبارز، (S24)

جدول (۹) اولویت‌بندی زیرمعیارهای سرمایه‌های اجتماعی

رتبه	وزن نرمال	زیرمعیارهای سرمایه‌های اجتماعی
1	0.398	تشکیل احزاب، تشکله‌ها و گروه‌های دارای ماهیت اسلامی همچون جامعه و روحانیت مبارز (S24)
2	0.234	ایجاد نهادهای انقلابی همچون کمیته‌های انقلاب اسلامی (S23)
3	0.199	شبکه گسترده مساجد، تکایا، حسینیه‌ها (S21)
4	0.170	شبکه گسترده علما و روحانیون در شهرها و روستاها (S22)

۷-۵- تعیین اولویت زیرمعیارهای سرمایه‌های فرهنگی و نمادین (C3)

جدول (۱۰) مقایسه زیرمعیارهای سرمایه‌های فرهنگی و نمادین

بردار ویژه	میانگین ن هندی	S36	S35	S34	S33	S32	S31	زیرمعیارهای سرمایه‌های فرهنگی و نمادین
0.12 2	0.75 7	0.65 4	0.36 1	2.63 9	0.45 4	0.66 7	1.00 0	نهاد مرجعیت به‌عنوان سرمایه‌ای نمادین (S31)
0.16 7	1.03 1	1.18 0	0.60 2	0.64 7	1.74 0	1.00 0	1.49 9	مراسم و مناسک مذهبی همچون عاشورا و اربعین (S32)

بردار ویژه	میانگین ن هندسی	S36	S35	S34	S33	S32	S31	زیرمعیارهای سرمایه‌های فرهنگی و نمادین
0.24 9	1.54 1	1.41 4	2.63 9	2.83 4	1.00 0	0.57 4	2.20 2	امامان جمعه و جماعات (S33)
0.12 1	0.75 5	0.62 9	1.42 8	1.00 0	0.35 2	1.54 5	0.37 8	نقش مساجد و منبرها در انسجام اجتماعی (S34)
0.19 0	1.17 5	2.23 0	1.00 0	0.70 0	0.37 8	1.61 1	2.77 0	سرمایه تاریخی همچون گرایش‌های عمیق مذهبی اکثریت جامعه (S35)
0.15 0	0.93 1	1.00 0	0.44 8	1.58 9	0.70 7	0.84 7	1.52 9	سرمایه ارتباطی همچون گفتمان‌های مشترک میان روحانیون و توده مردم (S36)

جدول (۱۱) اولویت‌بندی زیرمعیارهای سرمایه‌های فرهنگی و نمادین

رتبه	وزن نرمال	زیرمعیارهای سرمایه‌های فرهنگی و نمادین
1	0.249	امامان جمعه و جماعات (S33)
2	0.190	سرمایه تاریخی همچون گرایش‌های عمیق مذهبی اکثریت جامعه (S35)
3	0.167	مراسم و مناسک مذهبی همچون عاشورا و اربعین (S32)
4	0.150	سرمایه ارتباطی همچون گفتمان‌های مشترک میان روحانیون و توده مردم (S36)
5	0.122	نهاد مرجعیت به‌عنوان سرمایه‌ای نمادین (S31)
6	0.121	نقش مساجد و منبرها در انسجام اجتماعی (S34)

۶-۷- تعیین اولویت زیرمعیارهای سرمایه‌های سیاسی (C۴)

جدول (۱۲) مقایسه زیرمعیارهای سرمایه‌های سیاسی

بردار ویژه	میانگین هندسی	S45	S44	S43	S42	S41	زیرمعیارهای سرمایه‌های سیاسی
0.146	0.764	0.647	1.499	0.707	0.379	1	اصیل بودن مکتب سیاسی (S41)
0.235	1.231	0.847	0.575	2.203	1.000	2.639	سطح بالای ملی‌گرایی و اجنبی‌ستیزی (S42)
0.121	0.635	0.454	0.353	1.000	0.454	1.414	ایجاد سازمان‌ها و احزاب سیاسی

۱۳۹۸ زمستان (۸)، فصلنامه علمی-پژوهشی، شماره ۱۱، صفحه ۱۹۸-۲۰۴

بردار ویژه	میانگین هندسی	S45	S44	S43	S42	S41	زیرمعیارهای سرمایه‌های سیاسی
							همچون حزب جمهوری اسلامی (S43)
0.217	1.136	0.575	1.000	2.834	1.740	0.667	تشکیل نهادهایی برای تثبیت و حفظ انقلاب اسلامی (S44)
0.281	1.475	1.000	1.740	2.201	1.180	1.545	ایجاد نهاد شورای نگهبان قانون اساسی و مجلس خبرگان رهبری (S45)

جدول (۱۳) اولویت‌بندی زیرمعیارهای سرمایه‌های سیاسی

رتبه	وزن نرمال	زیرمعیارهای سرمایه‌های سیاسی
1	0.281	ایجاد نهاد شورای نگهبان قانون اساسی و مجلس خبرگان رهبری (S45)
2	0.235	سطح بالای ملی‌گرایی و اجنبی‌ستیزی (S42)
3	0.217	تشکیل نهادهایی برای تثبیت و حفظ انقلاب اسلامی (S44)
4	0.146	اصیل بودن مکتب سیاسی (S41)
5	0.121	ایجاد سازمان‌ها و احزاب سیاسی همچون حزب جمهوری اسلامی (S43)

## ۷-۷- تعیین اولویت نهایی

در پایان با توجه به وزن معیارها و زیر معیارها، اولویت نهایی و رتبه‌بندی سرمایه‌های طبقه متوسط سستی در دوران شکل‌گیری انقلاب اسلامی، به ترتیب زیر استخراج شده است. نتایج اولویت‌بندی زیر معیارهای سرمایه‌های فرهنگی و نمادین به ترتیب: ۱- امامان جمعه و جماعات؛ ۲- سرمایه تاریخی همچون گرایش‌های عمیق مذهبی اکثریت جامعه؛ ۳- مراسم و مناسک مذهبی همچون عاشورا و اربعین؛ ۴- سرمایه ارتباطی همچون گفتمان‌های مشترک میان روحانیون و توده مردم؛ ۵- نهاد مرجعیت به‌عنوان سرمایه‌ای نمادین؛ ۶- نقش مساجد و منبرها در انسجام اجتماعی مشخص گردید.

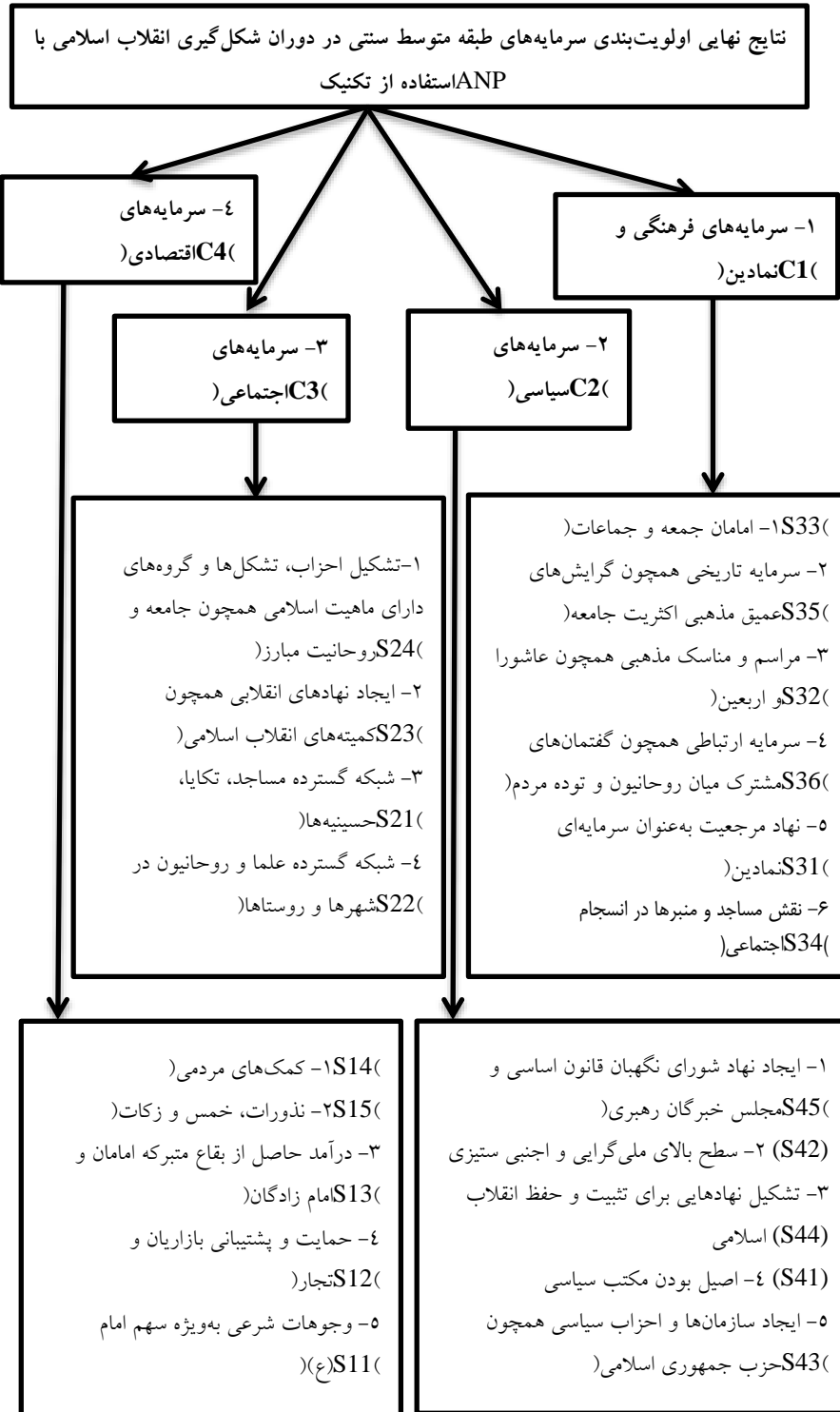
نتایج اولویت‌بندی زیر معیارهای سرمایه‌های سیاسی به ترتیب: ۱- ایجاد نهاد شورای نگهبان قانون اساسی و مجلس خبرگان رهبری؛ ۲- سطح بالای ملی‌گرایی و اجنبی‌ستیزی؛ ۳- تشکیل نهادهایی برای تثبیت و حفظ انقلاب اسلامی؛ ۴- اصیل بودن مکتب سیاسی؛ ۵- ایجاد سازمان‌ها و احزاب سیاسی همچون حزب جمهوری اسلامی مشخص گردید.

نتایج اولویت‌بندی زیر معیارهای سرمایه‌های اجتماعی به ترتیب: ۱- تشکیل احزاب، تشکل‌ها و گروه‌های دارای ماهیت اسلامی همچون جامعه و روحانیت مبارز؛ ۲- ایجاد نهادهای انقلابی همچون کمیته‌های انقلاب اسلامی؛ ۳- شبکه گسترده مساجد، تکایا، حسینیه‌ها؛ ۴- شبکه گسترده علما و روحانیون در شهرها و روستاها مشخص گردید.

نتایج اولویت‌بندی زیر معیارهای سرمایه‌های اقتصادی به ترتیب: ۱- کمک‌های مردمی؛ ۲- نذورات، خمس و زکات؛ ۳- درآمد حاصل از بقاع متبرکه امامان و امام زادگان؛ ۴- حمایت و پشتیبانی بازاریان و تجار؛ ۵- وجوهات شرعی به‌ویژه سهم امام (ع) مشخص گردید.

مدل نهایی نتایج ترتیب اولویت معیارها و زیر معیارهای سرمایه‌های طبقه متوسط سستی در دوران شکل‌گیری انقلاب اسلامی ایران در نمودار زیر مشخص گردید.





سرمایه های تأثیر گذار طبقه متوسط سنتی در دوران شکل گیری انقلاب اسلامی ایران

نمودار (۲) مدل نهایی نتایج ترتیب اولویت معیارها و زیر

نتایج حاصل از تحقیق نشان داد که از چهار معیار اصلی شناسایی شده سرمایه‌های طبقه متوسط سستی در دوران شکل‌گیری انقلاب اسلامی که توانستند نسبت به دیگر رقبایان از برتری برخوردار شوند و نقش هژمونیک پیدا کنند، معیار سرمایه‌های فرهنگی و نمادین دارای بیشترین وزن و رتبه اول و بااهمیت‌ترین عامل شناخته شد و بعد از آن سرمایه‌های سیاسی دارای رتبه دوم و سرمایه‌های اجتماعی دارای رتبه سوم و سرمایه‌های اقتصادی در رتبه چهارم در این تحقیق شدند.

بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که دستیابی طبقه متوسط سستی ایران به قدرت که تا سال ۱۳۵۷ به صورت سرمایه فرهنگی و اجتماعی ظهور و بروز داشت، با انقلاب اسلامی خصلتی سیاسی و رسمی پیدا کرد. در واقع سرمایه فرهنگی و اجتماعی نقطه کانونی و قلب قدرت اجتماعی و سیاسی طبقه متوسط سستی به حساب می‌آید. عواملی نظیر ایدئولوژی (مذهب)، شبکه اجتماعی (بازار، مساجد، هیئت، تکایا و ...)، ثبات ساختار اجتماعی، سلسله‌مراتب اجتماعی منظم و اعتماد و روابط متقابل، همگی از عوامل سرمایه اجتماعی و سیاسی به حساب می‌آیند که به مدد متغیر مذهب - به مثابه جان‌مایه سنت - در طبقه متوسط سستی ایران محقق می‌گشت.

سرمایه فرهنگی طبقه متوسط سستی در یک روند رو به رشد و با پیروزی انقلاب اسلامی به تدریج به سرمایه و قدرت سیاسی تبدیل گردید. برای تبیین پویای فوق‌همان‌گونه که فهم انقلاب اسلامی بدون در نظر گرفتن امام خمینی (ره) ممکن نیست، تبدیل و بازتولید سرمایه فرهنگی و اجتماعی طبقه متوسط سستی به سرمایه و قدرت سیاسی، بدون درک و فهم کاریزما غیرممکن می‌نماید. به‌ویژه هنگامی که از منظر پرشور و آتشین رهبران کاریزمایی تفسیر می‌شود. امام خمینی (ره) در قامت یک رهبر کاریزماتیک با درک و فهم دقیق ظرفیت‌های همین باورهای مقدس بود که موفق به سرنگونی حکومت پهلوی گردید. امام خمینی (ره) برای گذشتن از سد نظام شاهنشاهی پای اتکای خود را بر سرمایه اجتماعی جامعه به‌طور اولی و طبقات و اقشار مذهبی به‌طور خاص قرار داده و موفق شد اصلی‌ترین گام در ورود این قشر به طبقه مسلط را بردارد.

از طرفی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، ایدئولوژی انقلاب اسلامی با رقبایی مواجه گشت که برخی از آن‌ها مانند نمایندگان تفسیر مدرنیستی از اسلام در داخل گفتمان انقلابی شیعه

جای می‌گرفتند و در فراهم آوردن زمینه‌های انقلاب اسلامی مشارکت داشتند و برخی نیز مانند ملی‌گرایی و چپ‌گرایی از فرصت به‌دست‌آمده استفاده کرده و تاندازه‌ای گسترش یافته بودند. تدبیری که رهبران انقلاب اسلامی برای مقابله با این رقبا اندیشیدند به‌کارگیری امکانات سازمانی بازار، مساجد و نهادهای انقلابی جدیدالتأسیس، بهره‌مندی به‌موقع از سرمایه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نمادین طبقات سنتی همچون روحانیون و بازاریان و همچنین تحکیم ائتلاف با طبقات پایین و بسیج آن‌ها بود.

روحانیت انقلابی شیعه که در آن زمان حول محور حزب جمهوری اسلامی جمع آمده بود، در مقایسه با مخالفان خود به‌مراتب از امکانات بهتری برخوردار بود. ارتباط تنگاتنگ روحانیت با توده‌های مردم، رسوخ دیرین فرهنگ شیعی در میان مردم، سازمان‌دهی کارآمد طبقه متوسط سنتی و سرانجام وجود نهادهای انقلابی سازمان‌یافته از جمله این امکانات به شمار می‌رفت. به‌هرحال در این مصاف تمامی ایدئولوژی‌های رقیب و متولیان آن‌ها در میدان رقابت و منازعه یکی پس از دیگری مغلوب شدند و ایدئولوژی انقلابی شیعه که توسط روحانیت و در صدر آن امام خمینی (ره) ارائه شده بود به‌عنوان قدرت هژمونیک تمامی اصول و ضوابط خود را در جامعه ایران به‌مورد اجرا گذارد. این ایدئولوژی بسط و تفصیل یافته بود و دستورالعمل‌های خود را برای تمامی حوزه‌های زندگی فردی و جمعی ارائه داده بود. لذا به‌عنوان یک دستگاه جامع و فراگیر، احکام خود را در کلیه شئون زندگی جاری ساخت و رهبری همه شئون کشور و جامعه را در دست گرفت.

## یادداشت‌ها

1. Comprador Bourgeoisie
2. Middle class
3. Traditional middle class
4. Pirre Bourdieu
5. Karl Marx
6. Max Weber
7. Economy Capiral
8. Social Capital
9. Cultural Capital
10. Symbolic Power
11. Charismatic
12. Legitimacy
13. Political capita
14. Class divided society
15. Anthony Giddens

۱. اردستانی، حجر (۱۳۹۱). *قدرت طبقه متوسط سنتی در ایران*، تهران: نشر مرزوبوم.
۲. ازغندی، علیرضا (۱۳۸۵). *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران*، تهران: نشر قومس.
۳. استوار، مجید (۱۳۹۲). *انقلاب اسلامی و نبرد نمادها*، تهران: نگاه معاصر.
۴. بحرانی، محمدحسین (۱۳۹۵). *طبقه متوسط و تحولات سیاسی در ایران معاصر (۱۳۲۰-۱۳۸۰)*، چ ۳، تهران: آگاه.
۵. بوردیو، پیر (۱۳۸۰). *نظریه کنش*، ترجمه مرتضی مردیها، تهران: نقش و نگار.
۶. توسلی، غلامعباس و انصاری، ابراهیم (۱۳۷۹). «ساختار طبقاتی ایران بین دو انقلاب مشروطه و اسلامی: بررسی طبقه متوسط جدید در ایران»، در: غلامعباس توسلی، *جستارهایی در جامعه‌شناسی معاصر*، تهران: جامعه ایرانیان.
۷. حبیبی، آرش و همکاران (۱۳۹۳). *تصمیم‌گیری چندمعیاره فازی*، رشت: کتیبه گیل.
۸. حسینی زاده، سید محمدعلی (۱۳۸۹). *اسلام سیاسی در ایران*، قم: دانشگاه مفید.
۹. خمینی، روح‌الله (امام) (۱۳۷۸). *صحیفه امام*، ج ۴، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۱۰. خواجه سروی، غلامرضا (پاییز ۱۳۷۴). «تعارضات جناح‌های سیاسی دوره اول مجلس شورای اسلامی (۱۳۵۹ - ۶۳)»، *فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق (ع)*، سال اول، شماره ۱.
۱۱. سمیعی، محمد (۱۳۹۷). *نبرد قدرت در ایران: چرا و چگونه روحانیت برنده شد؟*، تهران: نشر نی.
۱۲. سوارتز، دیوید (۱۳۸۱). «اقتصاد سیاسی و قدرت نمادین»، ترجمه شفیعه صالحی، *فصلنامه اقتصاد سیاسی*، سال اول، شماره ۳.
۱۳. عیوضی، محمدرحیم (۱۳۸۰). *طبقات اجتماعی و رژیم شاه*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۴. فاضلی، محمد (۱۳۸۲). *مصرف و سبک زندگی*، قم: صبح صادق.

۱۵. فکوهی، ناصر (۱۳۸۳). «طبقه متوسط، امیدها و واهمه‌ها»، *نشریه اقتصاد پویا*، شماره

۱۲.

۱۶. گرامشی، آنتونیو (۱۳۵۸). *گزیده‌ای از آثار*، چ ۲، تهران: شرکت سهامی کتاب‌های

جیبی.

۱۷. میلانی، محسن (۱۳۸۱). *شکل‌گیری انقلاب اسلامی از سلطنت پهلوی تا جمهوری*

*اسلامی*، ترجمه مجتبی عطارزاده، تهران: گام نو.

18. Bourdieu, pierre (1984). *Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste*, Cambridge: Harvard University Press.
19. Bourdieu, pierre (1998), *Practical Reason: On the Theory of Action*, cambridge: polity press.
20. Bourdieu, pierre (1991). *Language and Symbolic Power*, Cambridge: Harvard University Press.
21. Turner, Jonathan H (1998). *The Structure of Sociological Theory*, Belmont: Wadsworth Publishing Company.
22. Saaty, T. L. (2005). *Theory and Applications of the Analytic Network Process*, Pittsburgh, PA: RWS Publications.